

# گره سردرگم اصول!

دشواری‌های شگرف دستیابی به اصول تربیت

● ابراهیم اصلانی، روان‌شناس تربیتی

● عکاس: فاطمه پزشکی مقدم

کلیدواژه‌ها: اصل، اصول، تربیت

در ادامه بحث تربیت‌شناسی به موضوع «اصول تربیت» می‌رسیم. این موضوع در دو بخش ارائه می‌شود. در بخش حاضر، نویسنده مروری دارد بر معنا و مفهوم «اصل» تا دشواری‌ها و کاستی‌های موجود در این باره را نشان بدهد. تأمل در این بحث برای همه پرورشکاران و به‌ویژه مدیران مدرسه‌ها می‌تواند مقدمه گره‌گشایی بسیاری از ابهام‌های تربیتی باشد. در نهایت، تعریفی از «اصول تربیت» بیان می‌شود تا شاید بتواند امکان رسیدن به اشتراک معنایی را فراهم کند. در بخش دوم نویسنده تلاش خواهد کرد چالشی در خصوص «اصول نوین تربیت» ایجاد کند.

## اصول تربیت

شاید کمتر به این نکته توجه شود که یکی از مغفول‌ترین مباحث در تربیت، موضوع «اصول تربیت» است. شکوهی (۱۳۸۵) با شماتت صاحب‌نظرانی که در تبیین مبانی و اصول تربیت سهل‌انگاری کرده‌اند تأکید می‌کند، منابع موجود برای معلم‌ها چندان مفید نیستند (ص ۱۰). باید اذعان کرد، در این مدت هم اثر قابل توجه و استواری عرضه نشده است. وقتی از اصول تربیت صحبت به میان می‌آید، هر کس با استناد به یافته‌های مطالعاتی یا شخصی چیزهایی می‌گوید، ولی واقعیت این است که موضوع به‌شدت آشفته و مبهم است. چند دلیل برای این ابهام می‌توان ذکر کرد:

۱. خود مفهوم «اصل» به‌دقت تعریف نمی‌شود و اشتراک معنایی چندانی درباره آن وجود ندارد.
۲. در منابع تربیتی موجود، «اصول» جایگاه شاخصی ندارد. حتی بعضی از صاحب‌نظران وقتی به بحث اصول تربیت می‌رسند، سراسیمه از آن عبور می‌کنند.
۳. منابعی هم که درباره اصول تربیت بحث کرده باشند، اندک هستند. تعدادی از این منابع از یک دیدگاه خاص - که به آن خواهیم پرداخت - نشئت گرفته‌اند. بعضی هم اصول را از یک زاویه شخصی مورد توجه قرار داده‌اند. در موارد دیگری هم آنچه به نام اصول آمده، در واقع راهکار و روش است.
۴. کارکردهای اصول هم چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. اصول تربیت می‌تواند به‌منزله راهنما و چراغ راه باشد، اما در عمل نگاه جدی به آن وجود ندارد.

## اصل چیست؟

شریعتمداری (۱۳۶۹) با آنکه اسم کتاب خود را «اصول تعلیم و تربیت» گذاشته است، اما درباره مفهوم اصل توضیح روشنی نمی‌دهد. یک جا تعبیر او از اصل این است که معلم باید فلسفه و دلیل علمی روش‌های

گوناگون را درک کند و بداند چرا و کجا باید روش خاصی را به کار برد و از استعمال روش‌های دیگر خودداری کند (ص ۳). در جای دیگری از کتاب می‌گوید: اصول تعلیم و تربیت از نظر نگارنده مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد به‌نسبت کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است (ص ۹۵).

شفیع‌آبادی اصل را به معنی بن، ریشه، قانون اساسی و زیربنا و قاعده و قانون رفتار می‌داند. برای مثال، اصول راهنمایی و مشاوره، ماهیت عمل و نحوه فعالیت مشاور را مشخص می‌سازد (۱۳۷۲: ۱۱). باقری (۱۳۸۴) با این یادآوری که واژه اصل در شاخه‌های گوناگون دانش بشری معانی متفاوتی دارد، بیان می‌کند که معنای اصل در علوم کاربردی قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را به‌منزله دست‌نورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل استفاده کرد. هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، باید خود را به بیان محدود قواعدی کنیم که به‌منزله راهنمای عمل، تدابیر تعلیمی و تربیتی ما را هدایت می‌کند (ص ۶۴).

دلاور (۱۳۸۸) در مقایسه مفاهیم فرضیه، نظریه، قانون و اصل می‌گوید: نظریه یک فرضیه بسط‌یافته است که با چندین واقعیت سروکار دارد. تفاوت بین فرضیه و نظریه در میزان کاربرد است نه در نوع. در صورتی که نظریه‌ها در مقیاس وسیع‌تری به‌بوته آزمایش گذاشته شوند و از طریق آن‌ها بتوان رابطه منظمی را پیش‌بینی کرد، به قانون تبدیل می‌شوند. در صورتی که قانون از چنان استحکامی برخوردار باشد که بتوان

آن را به یک باور تبدیل کرد و از آن انگاره‌های دیگری سازمان‌دهی و از انگاره‌ها تصورات دیگری استنتاج کرد، قانون به «اصل بدیهی» تبدیل می‌شود (ص ۹۶).

شعاری‌نژاد (۱۳۹۱) در کتاب «فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی» ابتدا در توصیف واژگان اصل، مبدأ و اساس که آن‌ها را مترادف فرض می‌کند، هفت معنا ذکر می‌کند و سپس دو واژه اصل و قاعده را کنار هم قرار می‌دهد و می‌گوید: گفتار مربوط به برخی همسانی یا قابل پیش‌بینی بودن. اصول بیش از قوانین تردیدپذیرند، لکن بیش از اعتقادات، معتبر و قابل اعتمادند (ص ۳۸۴).

به نظر می‌رسد سیف (۱۴۰۱) تعبیر دقیق‌تری از مفهوم اصل دارد. او در مقایسه اصل، قانون و نظریه علمی، توضیح می‌دهد: اگر نتایج یک پژوهش درستی فرضیه آن پژوهش را تأیید کنند و اگر آن فرضیه در پژوهش‌های مشابه دیگر به تأیید برسد، فرضیه به قانون علمی تبدیل می‌شود. در مقابل، به بیانی که به رابطه بین دو متغیر اشاره می‌کند، اما از لحاظ علمی هنوز به اثبات نرسیده است، اصل گفته می‌شود (ص ۶۶).

### شاید یک رمزگشایی!

به طور حتم در کتاب‌ها و منابع دیگر نکته‌های فراوان دیگری درباره مفهوم اصل یافت می‌شوند، اما از همین مرور مختصر به چه استنباطی می‌رسید؟ آیا واقعا مفهوم اصل روشن است؟ آیا با این تعبیرهای متعدد، امکان رسیدن به درک مشترک از اصول تربیت وجود دارد؟ برداشت‌های متنوعی از معنای اصل وجود دارند که حتی اگر متناقض

هم نباشند، مبهم و سردرگم‌کننده هستند. این ابهام، هم موجب آشفتگی در درک اصول تربیت می‌شود و هم امکان تحلیل و نقد اصول تربیت و احتمال بازنگری در آن‌ها را تضعیف می‌کند. وقتی درک و برداشت درستی از اصول جاری تربیت وجود نداشته باشد، امکان اندیشیدن به اصلاح این اصول و دستیابی به اصول جدید هم دشوار می‌شود.

آیا با وجود تزلزل در درک مشترک از مفهوم اصل، می‌توان به اصول تربیت اعتماد کرد؟ پاسخ این پرسش دوگانه است. در مورد منابعی که نگاه فلسفی و پژوهشی به موضوع داشته‌اند، اصول تربیت قابل اطمینان‌تر است و می‌تواند مبنای عمل تربیتی قرار گیرد. در مورد منابعی که برداشت شخصی دیده می‌شود یا نگاه به موضوع جامع نیست، این اطمینان کمتر است. به تعبیر دیگر، استنباط از معنای «اصل» ضعیف است، و گرنه توصیه‌ها و نکته‌ها می‌توانند درست و کاربردی باشند.

بر مبنای مباحثی که آمد، نگارنده تعریفی از اصول تربیت ارائه می‌دهد. این تعریف می‌تواند به اشتراک معنایی کمک کند؛ اگر چه طبعاً امکان نقد و بررسی دارد.

اصول تربیت قواعد و چارچوب‌هایی به نسبت مستند و متقن و مبتنی بر یافته‌های پژوهشی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سایر علوم وابسته هستند. این اصول با وجود آنکه اثباتشان قطعی نیست و احتمال تغییر دارند، با این همه می‌توانند راهنمای عمل تربیتی قرار گیرند.

شاید با مطالعه مطالب گفته شده در یافته باشید که هر موضوع به ظاهر بدیهی، واقعا بدیهی و ساده نیست!

- آیا در مورد معنای اصل چالشی در ذهن شما ایجاد شد؟

- تا چه اندازه با اصول تربیت آشنا هستید؟ به استناد کدام منبع یا منابع؟

- آیا به اصول نوین تربیت اندیشیده‌اید؟ اگر بخواهیم در اصول تربیت تغییری بدهیم، چه اصولی باید افزوده شوند یا اصلا چه اصولی باید جایگزین شوند؟

### نتیجه‌گیری

اصول تربیت چه هستند و چه می‌کنند؟ واقعیت این است که با وجود اذعان به اهمیت اصول تربیت، تمرکز جدی بر روی این بحث وجود ندارد؛ نه از طرف صاحب‌نظران و نویسندگان منابع تربیتی و نه از طرف پرورش‌کاران، اعم از معلمان، مدیران، والدین و سایر کاربران مسائل تربیتی. یک نقطه شروع ابهام و آشفتگی اصول تربیت، به درک و اشتراک معنایی از مفهوم اصل بازمی‌گردد. ■

### پی‌نوشت

1. Principle

### منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه. چاپ دهم. تهران.
۲. دلاور، علی (۱۳۸۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. رشد. چاپ هفتم. تهران.
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۴۰۱). روانشناسی پرورشی نوین. دوران. چاپ ۲۴، ویرایش هفتم. تهران.
۴. شریعتمداری، علی (۱۳۶۹). اصول تعلیم و تربیت. دانشگاه تهران. چاپ ششم. تهران.
۵. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی. اطلاعات. تهران.
۶. شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۲). راهنمایی و مشاوره کودک. سمت. تهران.
۷. شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. به‌نشر. چاپ ۲۷. مشهد.